

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۱۸ مهر ۱۴۰۲

موضوع جزئی: آیه ۵۱ و ۵۲ - مفردات آیه - ۳. «موسی» - ۴. «ربعین» - ۵. «اتخذتم»

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۵

جلسه: ۲

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

بحث در آیه ۵۱ و ۵۲ سوره بقره بود؛ بعد از بیان مفاد اجمالی آیه، در مورد مفردات آیه مطالبی را عرض کردیم. دو کلمه «اذ» و «واعدنا» در جلسه گذشته اجمالاً توضیح داده شد.

۳. «موسی»

در مورد خود این واژه هم چند وجه ذکر کرده‌اند که ریشه موسی چیست و به چه معناست.

وجه اول: یک وجه این است که بر وزن «فعلی» و «م» هم در آن اصلی است، نه زائد؛ کأن اصل آن مؤسی بوده بر وزن فعلی. معنای آن هم با توجه به ریشه لغوی و ماده اصلی آن یعنی ماس یمیس، عبارت است از تبختر در مشی، تبختر در راه رفتن و مثلاً چون موسی به یک شکل خاصی راه می‌رفت، به این جهت نام او را مؤسی گذاشتند و تبدیل به موسی شده است.

بررسی وجه اول: این وجه قابل قبول نیست، به دلیل اینکه این ریشه عربی است و مسلماً مردم آن منطقه زبان عربی نداشتند؛ قبطی‌ها و کسانی که در آن ناحیه زندگی می‌کردند، با زبان عربی سخن نمی‌گفتند؛ بنی اسرائیل هم همینطور است؛ بعید است که آنها به این واژه عربی نظر داشتند.

وجه دوم: وجه دوم اینکه «م» در آن زائده باشد، بر وزن مفعول و به معنای وسیله و ابزاری که برای تراشیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر برگ‌های درخت گرفته شود و به اصطلاح کچل شود، یعنی می‌گویند اوسیت الشجرة. این معنا به عنوان یک احتمال و یک وجه در اینجا گفته شده است.

بررسی وجه دوم: این وجه به همان اشکالی که در مورد وجه اول گفتیم، مبتلا است. اولاً این یک بیان برای یک لغت عربی است، در حالی که زبان آنها عربی نبوده و اینکه حضرت موسی را هم بخواهند به چنین چیزی بنامند، وجهی برای آن نمی‌شود تصویر کرد.

وجه سوم: اما وجهی که مفسرین بعضاً گفته‌اند و مورد پذیرش قرار گرفته، این است که موسی مرکب از دو لفظ «مو» و «سی» یا «شی» است. «مو» در زبان قبطی و عبری به معنای آب است؛ «سی» یا «شی» هم به معنای شجر و درخت است؛ موسی یعنی آب درخت. دلیلش هم این است که وقتی مادر حضرت موسی او را در درون جعبه گذاشت و بر روی رود نیل رها کرد، این جعبه نزدیکی‌های کاخ فرعون در جایی که هم آب و هم درخت بود، مشاهده شد. آسیه

همسر فرعون و همراهانش در آنجا بودند و این جعبه را دیدند و گرفتند. نام این طفل را به اعتبار اینکه در چنین محلی پیدا شد موسی یا موسی گذاشتند. حالا «شی» بعداً تبدیل به «سی» شده، حالا موسی یا موسی؛ این هم اشاره به آن مکانی دارد که این طفل در آنجا پیدا شد.

سؤال:

استاد: می‌گویند آنها این نام را بر او گذاشتند و به این نام شهرت پیدا کرد؛ البته این یک وجه استحسانی است که محذورش کمتر از دو وجه قبل است. دلیل و برهانی هم نمی‌شود برای آن اقامه کرد.

در مورد نسب موسی گفته‌اند که موسی بن عمران بن یصهر بن قاهت بن لاوی بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم؛ با شش واسطه می‌رسد به حضرت ابراهیم.

۴. «اربعین»

واژه چهارم، کلمه اربعین است. در مورد اربعین پنج وجه را مفسرین بیان کرده‌اند:

وجه اول: یک وجه اینکه اربعین مفعول^۱ فیه برای «واعدنا» است؛ یعنی واعدنا در چهل شب، «اربعین لیلة»، می‌شود ظرف و مفعول فیه.

بررسی وجه اول: این شاید قابل قبول نباشد، چون اینکه بگویند ما با موسی مواعده داریم یا وعده کردیم در چهل شب، این درست نیست که خداوند تبارک و تعالی مثلاً بفرماید ما حضرت موسی را در چهل شب وعده دادیم؛ بالاخره این وعده در یک زمانی اتفاق افتاده است؛ اینکه در چهل شب این انجام شده باشد، این نمی‌تواند قابل قبول باشد.

وجه دوم: اینکه مفعول دوم برای «واعدنا» است؛ واعدنا موسی اربعین، این مفعول فیه نیست و مفعول دوم است.

وجه سوم: اینکه جانشین مفعول مطلق باشد، یعنی واعدنا موسی مواعده اربعین لیلة، معنایش این می‌شود که ما با موسی قرارداد چهل شبه بستیم.

وجه چهارم: اینکه این صفت برای مفعول به محذوف باشد؛ طبق این احتمال معنا این می‌شود: واعدنا موسی امرأ کائناً فی اربعین. طبق این احتمال هم ظرف می‌شود، اما غیر از آن ظرفی که در احتمال اول گفتیم.

وجه پنجم: اینکه مفعول به دوم با حذف مضاف است؛ طبق این احتمال معنا این است: واعدنا موسی انتضاء اربعین لیلة، ما با موسی قرار گذاشتیم که چهل شب تمام شود. این احتمال در تفسیر الکاشف^۱ و روح البیان^۲ ذکر شده است. بعضی دیگر از تفاسیر هم این را ذکر کرده‌اند.

در بین این وجوه پنج‌گانه، وجه اخیر رجحان دارد که واعدنا موسی انتضاء اربعین لیلة؛ در مورد وجوه دیگر هم شاید مانع آشکاری به نظر نمی‌رسد. عمده این است که اگر ما مواعده را طرفینی دانستیم که نیاز به دو طرف دارد، هم خدا و هم موسی، ولو اینکه تشریفاً و تکریماً و اعظماً لموسی خداوند کلمه واعدنا را به کار برده باشد، بالاخره یک وعده دو

۱. الکاشف، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. روح البیان، ج ۱، ص ۴۰۷.

طرفه است؛ خداوند از موسی خواست که به کوه طور برود، موسی هم پذیرفت؛ و خدا خواسته او را مورد تکریم قرار بدهد که مثلاً ما با هم یک وعده‌ای گذاشتیم، یک وعده او و یک وعده من. خدا فرمود بیا که من این الواح را به تو بدهم و موسی هم قبول کرد برود و به همین جهت مواعده استعمال شده است.

۵. «اتخذتم»

«اتخذتم العجل من بعده» یعنی چه؟ شما گوساله را اتخاذ کردید بعد از اینکه موسی چهل شب نبود. اتخاذ عجل به چه معناست؟ اینجا مفسرین دو وجه ذکر کرده‌اند:

وجه اول: یکی اینکه اتخاذ به معنای صناعت و ساختن است. مثلاً اگر کسی بگوید اتخذتُ سيفاً، این یعنی اینکه من شمشیری را ساختم؛ آن وقت اتخذتم العجل یعنی یک گوساله‌ای را برای عبادت ساختید.

وجه دوم: اینکه به معنای قرار دادن یک وصفی از اوصاف باشد، یعنی شما گوساله را قرار دادید ... در این صورت به معنای جعل می‌شود، اتخذتم أو جعلتم؛ در وجه اول می‌شود أو صنعتم، اینجا می‌شود جعلتم. شما این را چه قرار دادید؟ اتخذتم العجل. این گوساله را سامری ساخته بود؛ اتخذتم العجل یعنی شما این را به عنوان یک چیزی که عبادت کنید قرار دادید. نمی‌گوید شما ساختید، در اولی می‌گفت صنعتم؛ چون سامری هم جزء آنها بود، به همه نسبت داد؛ اینجا می‌گوید اتخذتم العجل، همان عجلی که سامری آن را ساخته بود. لذا معنای آیه این می‌شود که جعلتم العجل معبوداً، یا جعلتم العجل للعبادة، شما این را برای عبادت و پرستش قرار دادید و آن را معبود خودتان ساختید.

این دو وجه در مورد اتخذتم وجود دارد؛ علی الظاهر هر کدام از اینها که باشد، به معنا لطمه‌ای نمی‌زند؛ شما این را ساختید یا اینکه این را قرار دادید به عنوان معبود. آنجا هم که می‌گوید ساختید، یعنی صنعتم العجل لان تجعله معبوداً، برای اینکه آن را معبود قرار بدهید. از حیث نتیجه فرقی نمی‌کند.

سؤال:

استاد: اصل مسأله همان معبود قرار دادن است؛ ولی آیا خودتان این را ساختید یا دیگری ساخت و شما آن را معبود قرار دادید. این در منظور اصلی فرقی نمی‌کند.

واژه دیگری که در این دو آیه نیاز به توضیح و بررسی داشته باشد نیست. ظالمون، عفونا، تشکرون، اینها بحث‌های خاصی ندارد و معنای آنها روشن است.

بحث جلسه آینده

بعد از بیان این واژگان و توضیح آنها، باید سراغ تفسیر آیه برویم و نکاتی که لازم است گفته شود.

«والحمد لله رب العالمین»